

تیراندازی داماد جوان به همسرش برای فرار از پرداخت مهریه

عکس: رکنا

فربیا در پلیس آگاهی تهران در خصوص زندگی ناکامش با داود و ماجرای دستگیر شدن او یکسال پیش با داوود در مسیر جمکران آشنا شدم و در این مدت او به خاطر علاقه ای که به من داشت به خواستگاری ام آمده که به خاطر اینکه از او بزرگتر بودم به خواسته اش جواب منفی دادم.

دختر جوان گفت: به خاطر اصرار های داوود پذیرفتم تا به خواستگاری اش جواب مثبت دهم اما فردای روز عقدمان نامزدم مرا به باد کتک گرفت که این کتک کاری ها ادامه داشت و تصمیم به جدایی گرفتم که خانواده هایمان با میانجیگری ما را آشتی دادند و زندگی مان تا ماه رمضان خوب بود اما پس از آن دوباره داوود مرا کتک زد و همین باعث شد تا از داوود بخواهم طلاق توافقی بگیریم اما وقتی پیش مشاور رفتیم داوود ادعا کرد که نمی خواهد از من طلاق بگیرد.

فربیا در حالیکه اشک می ریخت گفت: ماه محرم بود که داوود دوباره مرا کتک زد و تهدید کرد مرا خواهد کشت تا اینکه جلوی در خانه توانستم از دستش فرار کنم و وارد خانه شدم. خانواده ام به خانه مان آمده و مرا به خانه خود بردند و از داوود شکایت کردم. داوود همراه مادر و خواهر و زن دایی اش پس از چند روز به خانه مان آمدند و با شکستن در خانه وارد شدند که داوود پلاهایم را از روی میز برداشت و از خانه خارج شد.

دختر جوان گفت: در این مدت بارها از سوی داوود تهدید شدم تا اینکه پذیرفت به صورت توافقی از هم جداشویم و صبح روزی که می خواستیم به دادگاه برویم چون حال خوب نبود داوود پیشنهاد داد خودش به دنبال می آید و با هم به دادگاه می رویم و این در حالی بود که مادرم مخالف بود و وقتی داوود به دنبال آمد من و مادرم سوار بر خودروی او شده و به سمت دادگاه حرکت کردیم.

در مسیر دادگاه بودیم که ناگهان داوود مسیرش را تغییر داد و به سمت بیابان های اطراف تهران رفت که تازه متوجه شدم شوهرم نیت شومی در سر دارد که از او خواستم ما را به خانه بازگرداند اما ناگهان داوود اسلحه ای از زیر لباسش بیرون کشید و ادعا که مرا خواهد کشت که در همین لحظه گلوله ای شلیک کرد که به شیشه خودرو اثبات کرد.

وی گفت: با جیغ و فریاد از مردم کمک می خواستم اما کسی صدایم را نمی شنید که مجبور شدم در حالیکه خودرو در حال حرکت بود از خودرو خودم را به بیرون پرت کنم و بعد از فرار شنیدم که داوود مادرم را در محدوده چهاردانگه اسلامشهر از خودرویش پیاده کرده است.

پس از این ماجرا از داوود شکایت کردم تا اینکه صبح امروز شنیدم داوود دستگیر شده است.

فربیا گفت: داوود ادعا می کند که مرا دوست دارد و حرفهایش را قبول دارم ولی این چه دوست داشتنی است که تصمیم به قتل من گرفته بود.

داود 23 ساله با اشاره به اینکه برای جرم تیراندازی دستگیر شده است به خبرنگار گفت: می خواستم او را تهدید کنم و به همین دلیل به سمت بیرون ماشین شلیک کردم و نمی خواستم او را بکشم. داوود اظهار داشت: من سابقه دار نیستم اما توان پرداخت مهریه و تحمل زندان را ندارم به همین دلیل مجبور شدم این کار را بکنم تا شاید گذشت کنند و مرا ببخشند و سر زندگی بیایند.

منبع: [رکنا](#)